

بناسبت جشن اول ماه

درود به طبقه کارگر قهرمان ایران

درود به طبقه‌ای که ستاره رهبری از نخستین سالهای ولادت بر پیشانی وی میدرخشید

هنوز نوزادی پیش نبود که در انقلاب مشروطه شرکت جست و ضرب شست نشان داد. هنوز دهه دوم قرن بیستم آغاز نشده بود که سازمان سیاسی خود را بوجود آورد و بعنوان عنصری مستقل در جنبش ضد استبداد و ضد استعماری بعمل پرداخت. ائتلاف حزب کمونیست ایران با نهضت جنگل و شرکت نمایندگان وی در دولت انقلابی، کوه آن بود که طبقه کارگر ایران بصورت نیروی موثری در جامعه ایران درآمده است. تحلیل طبقاتی جامعه ایران و طرح تشکیل جبهه انقلابی واحد که برای نخستین بار از طرف حزب کمونیست ایران انجام گرفت با وجود نقائص و اشتباهاتش حاکمی از آن بود که انقلاب ایران راهبردی نوینی فراز آمده است. طبقه کارگر ایران پیگیرترین نیرو بر ضد حکومت مستبد و دست نشانده رضاشاه بود و هم او بود که در دومین کنگره حزب خود انقلاب مسلحانه را در دستور روز قرار داد. اینکه چندین سال پس از شکست حزب کمونیست ایران، عده‌ای از روشنفکران برهبری انقلابی ارجحندی چون دکترانی بمواضع طبقه کارگر پیوستند نشانه آن بود که طبقه کارگر بصورت وجدان اجتماعی خلق ایران درآمده است.

پس از شهریور ۱۳۲۰ نخستین طبقه‌ای که قدم در میدان نهاد طبقه کارگر بود و یگانه حزب معتبری که در ایران تشکیل شد حزب طبقه کارگر یعنی حزب توده ایران بود (که متأسفانه امروز بدست رویزینستها در سرانحسب سقوط افتاده است) از این بعد طبقه کارگر در بران پر تلاطم و آموخته‌های از اشکال مختلف مبارزه را مانند میتینگ، دموستراسیون، اعتصاب، درگیری با پلیس و ارتش از سر گذراند و اشکال مختلف سازمانی خود را مانند اتحادیه، صندوق تعاون و حزب تکامل بخشید. بدون تردید در تاریخ اخیر ایران طبقه کارگر کشور ما که روز بروز بیشتر به آیدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم مجهز میشد در بیداری و رهبری توده‌های زحمتکش، بهترین نقش را ایفا کرده است. در این مدت طبقه کارگر در مرکز تاریخ کشور ما قرار داشته است. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در زنده‌ترین محلات ارتجاع و امپریالیسم بر طبقه کارگر و نمایندگان سیاسی وی صورت گرفت. هم اکنون نیز محمد رضاشاه با آنکه شعبده حزب بازی را برای فریب مردم لازم میشمارد و عده‌ای از روشنفکران دانشجویان و اصناف و غیره را باین بازی جلب کرده است جرات ندارد به طبقه کارگر تودیک شوک بدهد تا مبادا این «غول خفته» را بیدار کند. «سهم کردن کارگران در سود کارخانه» در کار هست، سندیکای خالی از عضو و غایب از سیاست در کار هست، ولی جلیب کارگران حتی باحزاب سیاسی شمشاخته نیز در میان نیست زیرا که محمد رضاشاه و بازیکر از بازی با آتش میترسد.

طبقه کارگر ایران در اثنای اینک تا آخر انقلابی است، بهترین هر طبقه دیگر تشکیل می‌پذیرد و با شرقی‌ترین رشته اقتصاد یعنی صنعت سرورگار دارد و رشد او با رشد صنعت همراست است آیدئولوژی او یعنی مارکسیسم - لنینیسم یگانه آیدئولوژی علمی و تا آخر انقلابی است، تجارب او در مبارزه بیش از هر طبقه دیگر است بحق شایستگی رهبری انقلاب ایران را دارد.

انقلاب دموکراتیک و ملی ایران بدون چنین رهبری نمیتواند بقیه درص ۳

نهمین کنگره حزب کمونیست چین

رفقای ارجحند

نهمین کنگره حزب کمونیست چین را که بزرگترین کنگره آن حزب و حادثه‌ای عظیم در نهضت کمونیستی جهانی است بشما و بوسیله شما بهمه اعضا، حزب و بهمه خلق پر افتخار چین تسلیت میگوئیم.

در اهمیت این کنگره همین بس که پیروزی اندیشه مائوتسه در آن را اعلام میدارد. کنگره نهم تجارب انقلاب کبیر فرهنگی پرلترتی و تجارب مبارزه بر ضد رویزینسیم معاصر را جمع بندی خواهد کرد. حزب کمونیست چین و خلق چین در این هردو جبهه به پیروزیهای درخشان نائل آمده‌اند.

انقلاب کبیر فرهنگی پرلترتی که بر پایه اندیشه مائوتسه درون و برهبری او انجام گرفت، با طبعات و ضرورت مبارزه طبقاتی را در تمام دوران دیکتاتوری پرلترتی تأیید کرد و راه رهبری طبقه کارگر را به مبارزه راه جلوگیری از قدرت یافتن طبقات سرنگون شده و احیای سرمایه داری راه ریشه کن ساختن پرورگوانیسم را به جبهانیان نشان داد.

انقلاب کبیر فرهنگی پرلترتی با افشا در او دست مرتسد لیوشائوس و سرکوب این فعال نمایان در سرمایه‌داری و با تشکیل کمیته‌های انقلابی در سراسر چین (باستثنای جزیره تایوان) امید امپریالیستها و رویزینستها را در تغییر سرشت انقلابی حزب کمونیست و جمهوری توده‌های چین به یاس مرگ آوری میدل ساخت. انقلاب کبیر فرهنگی پرلترتی چین جبهانیان آموخت که چگونه باید آیدئولوژی پرورگوانی را بر انداخت و ظرف ترسین نهاد بشری را تحول کرد. آموخت رفیق مائوتسه درون در باره انقلاب کبیر فرهنگی پرلترتی بسیاری هم خلق های انقلابی جهان هم سازندگان جامعه سوسیالیستی هم کمونیست‌هایی که در کشورهای مختلف رویزینسیم بسر میبرند حاوی اهمیت درجه اول است.

نهمین کنگره حزب کمونیست چین در شرایط تقویت و تشکیل احزاب و گروههای مارکسیستی - لنینیستی که در زیر درفش ظفر بخش تعالیم مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائوتسه درون در شاهراه انقلاب روان آمده، در شرایط شکست رویزینسیم معاصر در کجیه جبهه هائوشکلیست میبود. تحریکات رویزینسیم شوروی در موز جمهوری توده‌های چین که در زمینه همکاری آنها با امپریالیسم آمریکا صورت میگرفت در برخورد با سد پولادین هفتصد میلیون خلق انقلابی آیدئولوژی پرلترتی در هم شکست و افکار عمومی جهان با شکست عظیم سیاسی روبرو شد.

بدون تردید این امر در افشا ماهیت رویزینسیمتپاویداری خلق شوروی که آنهمه سنن بزرگ انقلابی دارد و مانند همه خلق‌های جهان در مبارزه با امپریالیسم و ساختمان جهان نسو دوست و دستیار خلق چین است تأثیری بس مهم داشته و خواهد داشت.

نهمین کنگره حزب کمونیست چین در شرایطی تشکیل میشود که کامیابیهای جمهوری توده‌های چین در زمینه سلاح اتشی پیشرفت شکست انگیز را در پرورش علمی و در امر تولید صنعتی بسببه جبهانیان اعلام داشته، تجربه شکننده‌های بر سیاست شانتاژ امنی امپریالیسم آمریکا و رویزینسیم شوروی وارد ساخته، وثیقه معتبری برای صلح جهانی بدست داده، به خلق هائی که در راه آزادی و استقلال مبارزه میکنند امیدی نوین بخشیده است. ما یقین داریم که حزب کمونیست چین از این کنگره یکپارچه نیرومندتر و با خلق پیوسته‌تر میروند خواهد آمد. جمهوری توده‌های چین که در غلبه ناپید سوسیالیسم و مهد انقلاب جهانی است در تحول انقلابی جهان نقشی بااهم معیتر و قاطعی بازی خواهد کرد.

ما برای حزب بزرگ کمونیست چین و خلق پرافتخار چین پیروزیهای روزافزونی خواستاریم.

ما برای پیشوای پرلترتاری جهان رفیق مائوتسه درون عمر دراز آرزویندیم.

موفق باد نهمین کنگره حزب کمونیست چین.

برافراشته باد درفش ظفر بخش آموزش مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائوتسه درون.

استوار باد ائتلسا سوسیالیسم پرلترتی.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

۱۹۶۹/۱/۲

پراکندگی سازمانی و تمرکز رهبری

که مراعات این قاعده کار حزب یا سازمان را ننگ میکند یا توفیق می سازد میتوان از آن چشم پوشید. در اجرای اصل پنهانکاری آموختن تجارب دیگران، بکار انداختن فکر و ابتکار خود هر مسلمانی بنسب شرایط مشخص کند در گرفتن از افراد حزب و توده‌های حزب میتواند بنتایج مطلوب بیاورد و در گوشه‌های پلیس و سازمان را با ناکامی مواجه کرد. اند.

علی رغم مراعات حد اکثر پنهانکاری شکل بتوان در تمام گوشه‌های حزب و برای همیشه از دستبرد دشمن برکنار ماند. در حال حاضر در ضمن نیروی بسیاری در اردو در مبارزه از وسائل و امکانات فراوانی برخوردار است. ما بیکس در آغاز کار نیروی چندانی نداریم و وسائل و امکانات محدود و حتمی تأجیز است در ضمن مبارزه با پلیس و سازمان امنیت هنوز تجربه ای نیندخته ایم. با این ترتیب احتمال اینکه دشمن موفق گردد در گوشه ای از حزب دستبرد ی بزند کم نیست. از این روشنگر سازمانی حزب باید طوری باشد که ضایعه بعد اقل تقلیل یابد، محدود به همان گوشه کرد و سوراخ سوزب توسعه پیدا نکند. اصل پراکندگی سازمانی در صورتیکه با انانسی و با دقت مراعات کرد در این منظور ما را برخواهد آورد.

اصل پراکندگی سازمانی باین معنی است که دستبرد سازمانها پیش از آنکه که در علق باشد در سطح است، یعنی بجای آنکه در فکر ایجاد سازمانی وسیع در یک نقطه مثلا در یک شهر باشیم همه دنبال تحقق آن برویم (آنگونه که تاکنون معمول بوده است) لااقل است توجه خود را قبل از هر چیز با ایجاد سازمانهای کوچک پراکنده ای در نقاط مختلف کشور و در شهرها و روستاها در هات مطلوب دراز، همین اصل پراکندگی سازمانی را در صورتیکه با شهرو بزرگ میسر بقیه درص ۲

هیئت حاکم ایران و در بر آن شاه باندازه ای از جنبش مردم بیونک است که هرگونه سازمان یا کانونیکه از خلق برخیزد و بخلق تکیه داشته باشد با بیرحمی شگرفی سرکوب میکند. واکنش شدید شاه در قبال هرگونه جنبش خلق نشانه قدرت وی نیست، نشانه ضعف او است، نشانه آنست که وی علی رغم انقلابات و گت خود نتوانسته است در میان توده‌های مردم پایگاهی برای خود بیاید.

در برابر واکنش سبعمانه طبقات حاکمه، حزب طبقه کارگری ادا و توسعه مبارزه باید تا نگزیر سازمانهای خود را از دستبرد دشمن مصون نگاهدارد و در صورتیکه بخشی از آن مورد دستبرد قرار گرفت قادر باشد فعالیت خود را دنبال کند، سازمانهای خود را گسترش دهد و آن نیروی را که از دست داده است دوباره بدست آورد.

برای آنکه بتوان سازمانهای حزب را از تعرض پلیس و سازمان امنیت دور نگاه داشت باید پنهانکاری را بعد اکثر مراعات کرده افراد سازمان را حتی المقدور کمتر بیکدیگر شناساند و در آنجا که تماس افراد (تماس زنده) ناگزیر است این تماس بدون ذکر نام افراد یا لاطل بانام مستعار صورت گیرد. نه تنها اختفای نام چهره است بلکه اطلاع هر فرد از آدرس محل اقامت دیگری زیانمند است و باید از آن دوری کرد. باید وسائل و طرقی یافت که بیک آنها بتوان در صورت لزوم ارتباط افراد را بدون آنکه میان آنها ملاحظاتی دست دهد برقرار کرد. چنین مسائل و طرقی که نیست، کافیت افراد در قلوبا بتکار خود را بکار اندازند برای آنکه پیوسته راههای تازه و تازه تری بیابند. اختفای نام افراد از یکدیگر قاعده است کلی که باید آنرا کید معمول داشت، معذک در حال استثنائی

مبانی تشکیلاتی حزب طبقه کارگر



نوشته زیرین خلاصه‌ای است از بخش‌های تازه‌ای که در حزب کمونیست اتحاد شوروی که بوسیله کمیته‌ی برپا شده استالین تنظیم شد و در سال ۱۹۴۸ انتشار یافت. در این نوشته آموزش‌گنجینه‌ی دربار مبنای تشکیلاتی حزب طبقه کارگر جمع‌بندی شده است.

۱- حزب مارکسیستی و بخشی از طبقه کارگر است. گردانی از آن است. طبقه کارگر گرداننده‌ی بسیاری دارد. ولی هر گردان طبقه کارگر را نمیتوان حزب طبقه کارگر نامید. وجه تمایز حزب از سایر گردانهای طبقه کارگر به پیش از همه در آنست که حزب طبقه کارگر گردان عادی نیست بلکه گردان پیش‌آهنگ گردان آگاه است. گردان مارکسیست طبقه کارگر است و با داشتن زندگی اجتماعی و با داشتن قوانین تکامل زندگی اجتماعی و با داشتن قوانین مبارزه طبقاتی مجهز است و با نتیجه‌ی میثاق‌های طبقه کارگر میثاق است و مبارزه او را رهبری کند. از اینجهت همچنانکه نباید جز او را با کل مشتبه ساخت نباید حزب را با طبقه کارگر مشتبه ساختند.

۲- حزب نه فقط گردان پیش‌آهنگ و آگاه طبقه کارگر است بلکه گردان متشکل طبقه کارگر هم هست و از انضباطی که برای همه اعضا وی حتمی می‌باشد برخوردار است. از اینجهت اعضای حزب ضرورتاً باید عضو یکی از سازمانهای حزب باشند. اگر حزب گردان متشکل طبقه کارگر نباشد اگر حزب سوسیالیستی از سازمانها نباشد بلکه مجموعه ساده‌ای از افرادی باشد که خودشان خود را اعضا حزب می‌نامند و وارد هیچیک از سازمانهای حزب نیستند یعنی متشکل نیستند و با نتیجه به تبعیت از تصمیمات حزب لازم نمی‌باشند در آنصورت هیچگاه حزب اراده واحد نخواهد داشت هرگز نخواهد توانست وحدت عمل اعضا خویش را تحقق بخشد و بنابراین به رهبری مبارزه طبقه کارگر قادر نخواهد شد. حزب فقط در صورتی میتواند مبارزه طبقه کارگر را عملاً رهبری کند و آن طبقه را بصورتی واحدی در حرکت آورد که همه اعضایش در گردان واحدی که در اثر اراده واحد و وحدت عمل و وحدت انضباط یک پارچه شده است متشکل شده باشند.

۳- حزب نه فقط گردان متشکل است بلکه در میان کلسه سازمانهای طبقه کارگر «عالیترین شکل سازمان» است که وظیفه رهبری سایر سازمانهای طبقه کارگر را برعهده دارد. حزب به مثابه عالیترین شکل سازمان و مرکب از بهترین افراد طبقه کارگر است و پیوسته با داشتن قوانین مبارزه طبقاتی و تجربه جنبش انقلابی مجهز است. همه گونه امکان دارد که سایر سازمانهای طبقه کارگر را رهبری کند و موظف است که رهبری کند.

۴- حزب وظیفه بر ارتباط گردان پیش‌آهنگ طبقه کارگر است با توده‌های ملیونی طبقه کارگر. حزب اگرچه بهترین گردان پیش‌آهنگ باشد و اگرچه بخشی متشکل باشد معذک بدون ارتباط با توده‌های غیرحزبی و بدون گسترش این ارتباط بدون تحکیم آن نمیتواند زیست کند و رشد یابد. حزب که از توده‌های کارمندان و ارتباط با طبقه خود را از دست بدهد و یلختی ست گرداند اعتماد و پشتیبانی توده‌ها را از دست خواهد داد و با نتیجه بناچار فنا خواهد شد. حزب برای آنکه بزندگی کامل برسد و رشد یابد باید ارتباط با توده‌ها را افزایش بخشد و از انضام توده‌های ملیونی طبقه خویش برخوردار گردد.

۵- حزب برای آنکه درست کار کند و توده‌ها را منظم رهبری کند باید بر مبنای مرکزیت متشکل پایه و با این نام واحد و انضباط واحد و با ارکان واحد رهبری که عبارتست از کنگره حزب و در فاصله بین کنگره‌ها هیئت مرکزی حزب به تبعیت اقلیت از اکثریت و با تبعیت هر یک از سازمانها از مرکز با تبعیت ارگان‌های پائین از ارگانهای بالا بدون این شرایط حزب طبقه کارگر نمیتواند حزب واقعی باشد نمیتواند وظائف خود را در رهبری طبقه کارگر انجام دهد.

البته چون حزب در شرایط استبداد تزاری در حال تغییر قانونی بسر میرود نمیتواند سازمانهای حزبی در آن روزگار بر اساس انتخابات از پائین ساخته شوند و حزب ناگزیر بود کاملاً

مخفی باشد. ولی لنین بر آن بود که این عارضه موقت در حیات حزب ما از نخستین روزی که تزاریسم برافتد از میان برمیخیزد. حزب آشکار و قانونی میگردد و سازمانهای حزب بر اساس انتخابات در مکزیک و بر اساس مرکزیت در مکزیک ساخته خواهند شد.

۶- حزب در فعالیت عملی خود اگر می‌خواهد وحدت و صف و خویش را حفظ کند باید انضباطی برتری و واحدی را که برای همه اعضا حزب از رهبران گرفته تا افراد ساده بطور یکسان حتمی با برقرار گرداند. از اینجهت تقسیم حزب به «خواص» که انضباط برای آنها حتمی نیست و «غیر خواص» که ملزم به تبعیت از انضباط اند نباید وجود داشته باشد. بدون این شرط حفظ تعامیت حزب و وحدت صفوف آن غیر ممکن است.

لنین می‌نویسد:

پرولتاریا در مبارزه برای تحصیل قدرت و سلاح دیگری جز سازمان ندارد. پرولتاریا که در اثر سطر رقابت پر هرج و مرج جهان بورژوازی بنرفته گرفتار می‌آید در زیر فشار کار توفان ساینتر سرمایه منکوب میگردد و پیوسته به اعناق فقر کامل و بهیمیت و انحطاط رانده میشود فقط آنگاه میتواند بصورت نیروی غلبه‌ناپذیر در آید که وحدت فکری اش بر اساس اصول مارکسیسم بوسیله وحدت مادی سازمان تحکیم یابد. چنان سازمانیکه ملیونانفر زحمتکش را در ارتش طبقه کارگر بهم پیوند دهد.

چشم‌بندی!

روزیونیستهای حزب توده ایران در دفاع از دوستی روزیونیستها شوروی و محمد رضا شاه چنین نوشته‌اند:

مخالفان بهبود مناسبات ایران و کشورهای سوسیالیستی به تناقض عجیبی گرفتار آمده‌اند. اخیراً در کتاب «مجموعه‌ی کنگره کشورهای سوسیالیستی با ایران از تجارت کشورهای سوسیالیستی در ایران نیز صحبت میشود. مخالفان بهبود مناسبات ایران و کشورهای سوسیالیستی با «شوروی تجارت» و «تجارت با شوروی» افتاده‌اند. چون اگر کسی به کسی کمک میکند دیگر غارت وی معنی ندارد و اگر کسی دیگری را غارت میکند دیگر از کمک معنی نمیتواند باشد.

گذشته از این، اگر آنطور که مخالفان میگویند بهبود مناسبات کمک به مردم ایران نیست بلکه کمک به رژیم است پس غارت همی غارت مردم نیست، غارت رژیم است. و اگر کمک به مردم ایران است پس غارت مردم ایران بمعنی است.

مجله دنیا شماره ۱۳۴۷، ۱۳۴۷

این تضاد و روزیونیستها از آنجا سرچشمه میگردد که رژیم محمد رضا شاه را با مردم ایران در یک عرض قرار داده و نتیجه گرفتند که هر نوازشی بر محمد رضا شاه نوازشی بر مردم ایران و هر نیشی بر محمد رضا شاه نیشی بر مردم ایران است.

این تضاد و بخوبی روشن میگردد که روزیونیستها چگونه از موضع طبقاتی که هر گونه خدمت به طبقه حاکم استثمارگر را خیانت بخلق میدانند بدو افتاده‌اند. با این «شبه استدلال» میتوان کنگره‌های امپریالیستی را نیز تریزه کرد و شعید با زانسه گفت: اگر کمک است پس غارت نیست و اگر غارت است پس کمک نیست!

ما برای آنکه انحطاط روزافزون روزیونیستها را نشان دهیم بنقل عبارت زیرین از شماره دو سال پیش مجله دنیا (شماره ۲ سال ۱۳۴۵) (صفحه ۵۹) اکتفا میکنم:

گاهی هدف کشور کمک دهنده این بوده است که گروه هیئت حاکمهای را تقویت کند که حاضر است به فرمان آنها گردن نهد و نقشه‌های آنها را اجرا کند. در موارد متعدد دیگر که فرع بر ملاحظات سیاسی و یا سوق الحیثی بوده است. در تار و پود جنگ سرد اغلب اتفاق افتاده که کمک خارجی در عمل با نادی تاوان یا جزایه‌ی بیک رئیس‌گروه نقابونی نداشته است.

پراکندگی سازمانی و تفرقه‌رهمبری بقیه از ص ۱

جمعیت سرکار ارمی بگایندیم و بدین ترتیب توسعه همسازمان در هر جا که باشد حتی در داخل یک شهر و بیرون آن اگر سخن بوسر شهر بزرگ باشد تا درجه مهمی از عقب پیش میرود و پس از آنکه اعضای سازمان بتعداد مناسبی رسید شوق میگردد که بیشتر ش بعدی حزب بصورت سازمان دیگری در کنار سازمان نخست بدون ارتباط با آن عملی میشود. سازمانهای بگایندیم بدین ترتیب در کنار هم پدید می‌آیند از یک بگایندیم اطلاع می‌دهند و در صورتیکه یکی از آنها مورد دستبرد قرار گیرد و اما فعالیت آن ممکن نگردد سازمانهای دیگر که در کنار آنند از این دستبرد مصون میمانند و فعالیت خود ادامه میدهند.

وجود سازمانهای پراکنده مستلزم مرکز رهبری واحد است؛ مرکزی که این سازمانهای پراکنده را بیکدیگر پیوند دهد فعالیت همه جانبه آنها را وحدت بخشد و هماهنگ سازد. بدون مرکز واحد رهبری فعالیت سازمانها از حد و مسائل محلی فراتر میرود و چه بسا پس از مدتی در کار آنها تفرقه و ورطه پدید می‌آید و سازمان دستخوش تلاشی میگردد که بدین جهت پراکندگی سازمانی و تفرقه‌رهمبری دوری مختلف یک عدال و در جهت مختلف یک تضاد است و وجود یکی بدون دیگری امکان پذیر نیست.

دو اصل تشکیلاتی فوق همراه با اصولی نظیر برحمان کیفیت برکویت و تلفیق کار عملی با کار ذهنی و نکات دیگری که توجه بدو در شرایط ایران ضروریست بدون شک بحزب طبقه کارگر امکان میدهد. سازمانهای خود را حتی الفقه و روابط بشیر در ضمن مصون دارد آنها را گسترش دهد و مبارزه خود را در تمام زمینه‌ها دنبال کند.

راه‌های خلق کرد بقیه از ص ۴... بسر میرود برای راهی دیگر از ستم ملی و نبل بتساوی کامل حقوق مبارزه کند. تنها در آنجا پس از آنکه اقلیت‌های ملی کرد در هر سه کشور آزادی خویش را بدست آورده آنگاه خلق کردستان میتواند تصمصیح کرد ستار واحدی بوجود آورد و با هر کدام در چه‌جا چوب کشورهایی که در آن با آزادی نائل آمده همچنان باقی بماند.

آنچه که امروز اقلیت‌های ملی ایران و از آن جمله خلق کرد را از حقوق ملی خویش محروم ساخته طبقه حاکم ارتجاعی ایران و امپریالیسم لیسم پشتیبان آنست برای بدست آوردن حقوق ملی باید در ترقی اول و قبل از هر چیزی سلطه طبقه حاکم را برانداخت و امپریالیسم را ریشه کن ساخت. تضاد خلقهای ایران و امپریالیسم حامی آن تضاد عمده جامعه ماست بدون حل این تضاد تضاد هسناسی در یک جامعه ایران و از آنجمله تضاد میان خلقهای ایران ترانزیتوان فیصل داد. محل تضاد‌های فیزی جامعه ما که مسئله ملی در زوره آنست وابسته بحل تضاد عمده است و نه بالعکس. حل مسئله ملی در ایران یکی از شرایط پیروزی مبارزه عمومی مردم ایران نیست، بالعکس پیروزی مبارزه عمومی مردم ایران بر دشمنان خلقی شرط قطعی حل مسئله ملی است. تکمه بر روی مسئله ملی مردم شمرن حل آن بر پیروزی انقلاب بجای آنکه مبارزه خلقهای ایران و از آنجمله خلق کرد را در مسیر واحدی اندازد کار را به تضاد و افتراق خواهد کشاند و مبارزه عمومی مردم ایران را گرفتار شکست و ناگامی خواهد کرد. مبارزه عمومی مردم ایران علیه طبقه حاکم ارتجاعی و امپریالیسم پشتیبان آنها مقدم بر هر مبارزه دیگری است و خلق کرد وظیفه دارد دست در دست خلقهای دیگر ایران این مبارزه را تا پایان به پیش برد. با پیروزی انقلابی و مگرآ تکم بر رهبری طبقه کارگر آن وظائف انقلاب که جنبه دموکراتیک دارد و حل مسئله ملی یکی از آنهاست تحقق خواهد پذیرفت بد بهیست در جریان انقلاب هرگاه امکان آن پیش‌آید که در این یا آن بخش از کشور این یا آن وظیفه دموکراتیک بتحقیق در آید حزب طبقه کارگر تنها از آن روی نخواهد گردانید بلکه آنرا عامل ضروری پیشرفت مبارزه عمومی مردم ایران می‌شمارد و مسلماً بانجام آن خواهد پرداخت.

چنین است آن راه حلی که برای راهی از ستم ملی و برخورد از از تساوی کامل حقوق در برابر خلقی کرد قرار دارد. سازمان ما آماده است در برابر این مسائل فوق‌بهر مسئله دیگری که سازش و تفرقه خلق کرد مربوط باشد با دستان کرد بیعت و تبادل نظر پردازد.

پیروز باد جنگ توده‌های خلق قهرمان ویتنام

نشریات توفان

نشریه شماره ۲ توفان "آموزش خود را از نوسازیم" نایا کرده ولی نشریات دیگر بشرح زیر در دفتر روزنامه توفان حاضر است:

- ۱- سبک ذهنی در تفکر و عمل
- ۲- اصول مقدماتی فلسفه
- ۳- اعلامیه کمونیستهای انقلابی بلشویک شوروی
- ۴- روزیونیسیم در تئوری و عمل
- ۵- نامه به رفقا

بهای هر نشریه: ۴۰ ریال

دوره توفان

برخی از شماره های دوره سوم ماهنامه توفان که نایاب شده بود تجدید طبع گردیده و اینک مجموعه هائی از دوره سوم توفان از شماره یک تا نوزده ترتیب داده شده است. رفقا و دوستان که خواستار داشتن دوره توفان میباشند میتوانند بدفتر روزنامه بوسیله نامه مراجعه کنند.

بهای هر مجموعه از ۱ تا بیست توفان: ۲۰۰ ریال

خوانندگان گرامی!

برای ادامه حیات ماهنامه توفان - این یگانه زبان مارکسیست لنینیست های ایرانی - که تاکنون بیست اعضا و هواداران سازمان و عده ای از خوانندگان چرخیده و لازم است همه خوانندگان همه هواداران همه اعضا سازمان توفان به پشتیبانی مالی وی بشتابند. لک به توفان لک باشاه مارکسیسم - لنینیسم و لک بانقلاب ایرانست. ازاین جهت مصانته بیاری توفان بشتابیم.

باج سبیل

شاید برخی از خوانندگان مجله تهران اگونیست (۱۳۴۷) که با "اقتصاد" ایران آشنائی کامل ندارند چنین پنداشته اند که شرکت محترم "آبادان ریکرن ایشن سنتر" اقدامی غیر اقتصادی انجام داده است.

توضیح آنکه بنا بر نوشته مجله تهران اگونیست اعضا هیئت مدیره شرکت مذکور (مرکب از آقایان امیر محمد شریفی و محمد شهریار و بانو فروغ اعظم خواجه نوری) ناکهان نشسته و تصمیم گرفتند که دو میلیون و پانصد هزار ریال از ۱۰ میلیون ریال سرمایه خود را به والا حضرت شهرام پهلوی نیا "صلح کنند" و ضمناً معظم له را به ریاست هیئت مدیره برگزینند و این تصمیم را فی المجلس علی ساختند.

کسی که به ماهیت "انقلاب شاه و مردم" پی نبرده باشد یقیناً از این خواب ناشدن هیئت مدیره مذکور در شکست می ماند و با خود میگوید:

شرکی که بیش از یک پنجم سرمایه خود را یک ظلم بذل و بخشش میکند عقل معاشی کجا رفته است؟

ولی این شک و تردید ناشی از بیخبری است. امروزه در ایران شرکت های سابق "بها" حضرت ابوالفضل" جای خود را به شرکت "با والا حضرت" داده است. با این تفاوت که سابقاً بنام حضرت ابوالفضل معامله میکردند بدون آنکه صد دینار هم به حساب او بنویسند. ولی حالا باید قبل از معامله ضمن معامه و بعد از معامله مبلغی بحساب والا حضرت ها بنویسند.

هیچ بنگاه بزرگ صنعتی و اقتصادی و مالی نیست که سبیل (یا زلف) یکی از افراد خاندان پهلوی را بشکلی از اشکال چوب نکند. در واقع هر یک از افراد این خاندان بطور مرتب از یک یا چند بنگاه معین بصورت هدیه تقدیم چک و واگذاری سهام و صلح کردن قسمتی از سرمایه باج میگیرد.

در زمان رضاخان مرسوم بود که فتووال های ایران برخی از املاک خود را به رضاخان "صلح میکردند" "هبه میکردند" و یا در قماربوی می باختند تا از غضب وی در امان بمانند. اینک انتقاد آن نامرحوم بشکل های دیگری به ادامه سنت پدری مشغول اند.

تبری از ترکش روزیونیسیم بقیه از حر ۴ نویسنده وقتی که اثرات اسلحه فروشی روزیونیسیمها را در "تضاد بین کشورهای امپریالیستی و تشدید بحران اقتصادی" خلاصه میکند عمدتین مطلب را از نظر فرو میگذارد که مساعدت روزیونیسیمها با دولت ایران علی الاصول بر اساس همکاری آنها با امپریالیسم آمریکا در تقسیم جهان قرار دارد. اگر این همکاری وجود نداشت اگر روزیونیسیم شوروی و امپریالیسم آمریکا طبیعتاً واحدی نداشتند چگونه ممکن بود حکومت ضد کمونیست و دست نشاندهای نظیر حکومت اسپران دست در دست حکومت شوروی بگذارند و اسلحه و کارشناسان از وی بخواهد؟

در مهرماه سال گذشته مجله خوانندگان توفان که سابقاً "مسئله اصل فعالیت کمپانیهای نفتی غرب در خاورمیانه و ایران معترض بود و قرارداد های موجود نفتی خاورمیانه را تحمیلی و غیر قانونی میخواند" ولی اینک گفتارهای رادیسو مسکو حاکی از عدول از این تبلیغ است و از اینجهت - بقیل خوانندگان توفان - این گفتارها در محافل تهران جلب توجه کرده است.

معنای این خبر چیست؟ معنایش اینست که در گذشته در روزگاری که هنوز روزیونیسیم خون رهبران شوروی را سیاه نموده بود مسکو به امپریالیستها میگفت: ایران را بحال خود بگذارید از سر این خوان بیضا برخیزید. ولی گفتارهای آنها از گونه دیگر است. مسکو آنها میگوید: برای من نیز جایی در کنار خود باز کنید. از این خوان بیضا بمن نیز نصیبی دهید. فروش اسلحه و اعزام کارشناسان شوروی بایران از نتایج چنین تقسیم عنائی است.

"هه با هم در راه عارت" - اینست موضع روزیونیسیمها در قبال امپریالیستها، و اینست آنچه با دعای نویسنده نامه موجب تشدید تضاد بین کشورهای امپریالیستی و تشدید بحران های اقتصادی خواهد شد!

نویسنده بمنظور تیرزه اسلحه فروشی شوروی بایران بطرح این سؤال میریزد: "آیا فروش اسلحه مانع از جنبش های دموکراتیک خواهد شد و آیا در صورت خود داری از فروش اسلحه دولت ایران در مضیقه اسلحه قرار خواهد گرفت؟" این سؤال شگفت انگیزی است. مسلماً هیچ فروش اسلحه نمیتواند برای همیشه از جنبش دموکراتیک جلو گیرد. ولسی آیا باین دلیل میتوان اسلحه فروشان را تیرزه کرد؟ تاریخ نشان داد که گروه های آدم سوری هیتلر نیز نمیتواند از اقدام خلق ها جلو گیرد. ولی آیا باین دلیل میتوان آدم سوری هیتلر را تیرزه کرد؟ بدون تردید اگر آرمود و بختیار هم نبودند محمد رضا شاه در یافتن جلا در مضیقه نمیامد. ولی آیا باین دلیل میتوان آرمود و بختیار را تیرزه کرد؟

تفاوت اسلحه فروشی روزیونیسیمها با اسلحه فروشی امپریالیستها در اینست که چون روزیونیسیمها خود را رؤسای دولت سوسیالیستی و جانمندان لنین و مجریان سیاستی بسود خلق ها میشمارند و هنوز بخشی از مردم جهان را در دام فریب خویش نگه داشته اند بر سر سیاسی سلاح آنان بر ضد خلق و بمراتب بیشتر و گلوله های آنان زهرناکتر از گلوله های امپریالیستهاست. اسلحه امپریالیستها فقط جسم مبارزان ایران را هدف میگیرد. و اسلحه روزیونیسیمها هم جسم و هم جان آنها را نشان میدهد. اسلحه فروشی شوروی بایران امری منفرد و تصادفی نیست بلکه یکی از ظاهر سیاست وی در عرصه جهان است. بایسته آنرا در کنار احیاء سرمایه داری در شوروی و اجرای دیپلماسی محرمانه "تلفون سوخ" تقسیم جهان با آمریکا و بندوبست با امپریالیسم آمریکا بر سر انحصار بعب اتمی تسلیم طلبی در حاکم کوبا و خیانت بنفایع خلق کنگو و آیفه نقش دورویانه در مورد جنگ قهرمانانه خلق ویتنام و تجاوز مسلحانه بر کشور چکوا سلواکی تسلیم طلبی در مسئله برلن و فدا کردن حقوق جمهوری دموکراتیک آلمان انواع و اقسام منظور خاوش ساختن مقاومت مسلحانه خلق های عرب در برابر تجاوز اسرائیل و پشتیبانی از دولت های دست نشانده امریکای جنوبی و هم آغوشی با محمد رضا شاه ... نهاد تا بخوبی بتوان دریافت که این تیر از ترکش کیست.

کدام آموختن؟

"آموختن برود و نوب است؛ یکی آموختن در کتابخانه که عبارتست از اکتفا به همه چیزه خوابا شرایط کشور ما سازگار باشد و در واقع باشد. این نوع آموختن خوب نیست. نوع دیگر عبارتست از نگارنده آموختن مغزها خود و آموختن آن چیزی که با شرایط کشور ما سازگار است یعنی فراگرفتن آن تجربه ای که میتواند برای ما سودمند باشد. اینست آن نوعی آموختن که ما باید برگزینیم"

مائوسه دین

در دوره طبقه کارگر قهرمان ایران بقیه از ص ۱ به پیروی کامل نائل آید و به انقلاب سوسیالیستی بینجامد. وظیفه مارکسیست ها - لنینیست ها فقط تشریح وضع ناکار طبقه کارگر کمکی دستمز و افزونی بیکاری و شیوع برحانمانسی نیست. این کار را لیبرال ها و روزیونیسیمهای متافق نیز انجام میدهند. وظیفه مارکسیست ها - لنینیستها آماده ساختن طبقه کارگر برای ایفاء نقش تاریخی خود نقش رهبری انقلاب ایران است و این امر فقط از راه احیاء حزب طبقه کارگر ایران بشتابه ستاد طبقه عامان پذیر است.

انگلس میگفت که حزب طبقه کارگر برای تسخیر قدرت باید نخست از شهر به ده برود و در ده نیرومند شود. اهمیت این آموزش انگلس در شرایط امروز که جنگ تودای برای تسخیر قدرت در برنامه ماست نمایان تر میگردد. اندیشه دهمیانه مائوسه دین در مورد "تسخیر شهر از طریق روستا" تکمیل همین آموزش انگلس است. طبقه کارگر ایران باید از گذشته بیاموزد و نقش عمده کار خود را که در مورد دهقانان بود بر اندازد و در تیرد مساحتان برای سرنگونی نظام کثونی با توده دهقانان پیوند یابد. اتحاد طبقه کارگر با سایر طبقات و قشرهای دموکراتیک مانند خرد بیزروزی شهری و روشنفکران و بورژوازی ملی فقط در پرتو این پیوند میتواند بر فراز استوار گردد.

چشن اول ماه مه که جشن هیستکی همه کارگران و زحمتکشای و خلق های جهان است در شرایطی آفر میرسد که پیروزی ها عطشی تمصب طبقه کارگر جهانی شده است. در چنین توده های با هدف مند میلیون جمعیستین طبقه کارگر پس از سرکوب روزیونیسیم و پیوندگان راه سما به داری در کلیه رشته ها زمام رهبری را در دست گرفته است. طبقه کارگر و خلق آلبانی بر سر امسار اروپا پرتو مارکسیسم - لنینیسم میافشاند. طبقه کارگر در جهان سرمایه داری روز بروز بیشتر از قید روزیونیسیم میرهد و برامیکار قطعی کام میگردد. معاهدت طبقه کارگر جهانی با خلق های منطقه توفان

در مبارزه بر علیه امپریالیسم و روزیونیسیم پیوسته تحکیم مییابد. طبقه کارگر کشورهای روزیونیسیتی برای سرنگون ساختن عامیان قدرت حزبی و دولتی بیدار میشود. همه این پیروزیها و پیروزیهای طبقه کارگر چین برای طبقه کارگر ایران الهام بخش است. جشن اول ماه مه را برپای بد ارم و در وفاداری به آرمان مقدس طبقه کارگر ایران و جهان تجدید عهد کنیم. بنیاد آوری مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر ایران را همه نیروها را در راه احیاء حزب طبقه کارگر ایران یکسار اندازیم. همبستگی با طبقه کارگر جهانی و دفاع از جمهوری تودای چین و جمهوری تودای آلبانی و وظیفه مقدس خود بشتابیم. پرچم سرخ بر افتخار طبقه کارگر پرچم مارکس انگلس، لنین، استالین و مائوسه دین را افزاشته تر نگه داریم فرخنده باد جشن اول ماه مه. در دوره کارگر قهرمان ایران.

عنوان جدید مکتوبات: X GIOVANNA GRONDA 20030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی: X GIOVANNA GRONDA CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO / ITALY

توفان

راه رهائی خلق کرد

نشریه مورخ ۶۸/۱۲/۱۲ "سازمان روشنفکران کرد ایران" ماربرآن داشت که بار دیگر نظریات خود را درباره مسئله ملی و راه رهائی خلقهای ایران از ستم ملی یاد آور شویم. نشریه نامبرده مدعی است که "در داخل احزاب و سازمانهای ملی و صریح نیز مسئله ملی و راه حل صحیح و پیگیری آن آنچنانکه شایسته است به صراحت مطرح نگردیده است". سازمان ما با انتشار دو سفته در ماهنامه توفان با صراحت و بدون هیچگونه ابهام مسئله ملی را در ایران مطرح کرده و راه حل آنرا نشان داده است. از مدلول نشریه چنین برمیآید که دوستان کرد بنظریات مدعیان در این دو سفته توجهی مبذول نداشتند و یا نخواسته اند مبذول دارند و بجای آنکه لااقل مسئله ملی و بطور اخص مسئله ملیت ملی کرد را در ایران بشیوه خود مطرح ساخته و راه حل بر آن ارائه دهند. نظریاتی ابراز داشته اند که نه تنها بیروشن کردن بر کتکی نمیرسانند بلکه برابهم و عدم صراحت آن میافزاید.

ما بر آنیم که اقلیت ملی کرد در ایران بخشی از خلق باستانی کرد است که در نتیجه حوادث تاریخی قرون گذشته و حاضر در کشور ایران و عراق و ترکیه زندگی میکنند؛ ما بر آنیم که خلق کرد در ایران نه تنها از ملطه امپریالیسم و ارتجاع رنج میبرد بلکه گرفتار ستم ملی نیز هست و ستم ملی بطور عمد در محرومیت خلق کرد از زبان و فرهنگ ملی شناخته میگرد؛ ماحق خلق کرد را در تعیین سرنوشت خود بیخوش میمانیم و بیاطاعت حق آن بازمیکنیم. ما فقط تساوی کامل حقوق خلق کرد با سایر خلقهای ایران هستیم و بر آنیم که فقط تساوی کامل میتوانند خلق کرد را با دیگر خلقهای ایران در مبارزه با امپریالیسم و حکومت دست نشانده آن در استقرار حکومت دمکراتیک نوین و در داخل این حکومت بر اساس اصولی متحد سازد؛ ما بر آنیم که حل مسئله ملی تنها در صورت پیروزی انقلاب ملی و دمکراتیک برهبری طبقه کارگر ایران امکان پذیر است. تنها طبقه کارگر میتواند با آزاد ساختن خود از یوغ استعمار و استثمار خلق کرد را از ستم ملی رهائی بخشد. تنها طبقه کارگر میتواند خلق کرد را با خلقهای دیگر ایران بر اساس تساوی کامل حقوق میثاق پیونده دهد و متحد سازد.

تا بین حقوق ملی خلق کرد، آنطور که رویزیونیستها اشاعه می دهند، کار "ملی حکومت دمکراتیک" نیست کار "حکومت دمکراتیک نوین" است که رهبری آن با طبقه کارگر است. اشتباه است اگر تصور کنیم که در ایران یک حکومت دمکراتیک روزگاری به حل مسئله ملی خواهد پرداخت. نمونه سوئیس را سرمشق خود قرار خواهد داد. درست است که حل مسئله ملی در ایران در زمره اقدامات دمکراتیک است و نه سوسیالیستی. ولی در شرایط کنونی ایران و جهان این اقدام دمکراتیک مانند بسیاری از اقدامات دمکراتیک دیگر فقط با دست طبقه کارگر میتواند جامعه عمل ببوشد.

اینها حقایق است. علم که مارکسیست - لنینیستهای میثاقیان باور دارند و هر مبارز ایرانی شملق بهیریک از خلقهای ایران که باشد اگر اوضاع را ندیده حل مسئله ملی است بناچار باید در دنبال حل علمی آن روان گردد. هر راه دیگری و بیوزیر راه پیروی از ناسیونالیسم بورژوازی به بن بست خواهد انجامید و برای خلقهای ستمدیده ایران آزادی و تساوی حقوق با برابری نخواهد آورد.

بعضی از ناسیونالیستهای کرد "شمار" "کردستان واحد" را مطرح میسازند که باید اقلیت ملی کرد را در سه کشور ایران عراق و ترکیه در کشور واحد و دولت واحدی متحد سازد. باکمال تأسف باید گفت که این شعار در اوضاع و احوال حاضر تحقق پذیر نیست و هر کوششی در جهت آن بهطل آید بجای آنکه آزادی خلق کرد مد در ساند آنرا تاخیر میاندازد. بنظر ما یگانه راه رهائی خلق کرد اینست که اقلیت ملی کرد در هر یک از کشورهای سگانه فوق، باید همراه دیگر خلقهای کشوری که در آن

دست از چین توده ای کوتاه!

تحریکات رویزیونیستهای شوروی در مرز جمهوری توده ای چین حادثه ای تصادفی نیست. این تحریکات نتیجه صریح سیاست سوسیال امپریالیستی، سیاست احمقانه ستمی و تهاجم ترارهای روسیه است. با آنکه در گذشته در راستی سیاست و از خانه امپریالیستها و ترارهای غلامانه ارض پر کشور چین تحمیل شده که قسستهای بزرگی از خاک وی راجد کرده و جمهوری توده ای چین پیوسته آمادگی خود را اعلام داشته است که کلیه مسائل مرزی با همسایگان خویش را بر اساس سیاست صلح دوستی و احترا چاقابل و انتزاع سوسیال - ایسم پرولتری حل کند. ولی از آن زمان که رویزیونیستها قدرت را در حزب و دولت شوروی نصب کردند. محرومانه و موزرانه از حل مسائل علمی مرزی خود با جمهوری توده ای سر باز میزنند و پیوسته با نیت های باج و ادعای خود خونیون توسل میجوینند. تحریکات اخیر مرزی آنها بویوحماق اهمیت خاصی است.

رویزیونیستهای شوروی که در اثنای رویزیونیسم در جمهوری توده ای چین مایوس شده و سوست به خشم آمد مانده ناچار در آن به "مایش قدرت" روی آورده و ضغنا وسیله ای برای حملات سیاسی بر جمهوری توده ای چین تراشیده اند. تحریکات اخیر رویزیونیستهای شوروی را باید در زمینه هتاری آنها با امپریالیسم آمریکا قرار داد. کیستند اند که امپریالیستهای آمریکا در ضمن خود را در وجود جمهوری توده ای چین این درواستوار سوسیالیسم، این مرکز انقلاب جهانی میبینند و سستی را که بر این جمهوری خنجر میکشد صمیمانه میفشازند. میبهرند نیست که رویزیونیستهای شوروی بلافاصله پس از آنکه تحریکات مرزی را برپا کردند نزد امپریالیستهای آمریکا، فرانسوی و آلمانی شتافتند و خود را در اندازند و لطفی آنرا خواستار شدند. میبهرند نیست که امپریالیستهای آمریکا را بر این کشور در بند نیست بر سر سلاح اتی موافقتهای کردند. در اندک زمانی که رویزیونیستهای شوروی بر سر خاکی چکسلواکی و در سائز رویزیونیستهای شوروی مضطرب و خوشی کردن چندین مقلد و جلودگویی از شکست قطعی مهاجمان آمریکائی و معامله سرسروشست جمهوری دمکراتیک آلمان و تسلیم شدن به طوقه فاشیستهای آلمان در برلین، نقشه کشیدند بر سرای خلق سلاح یازمانهای فلسطینی و بستن دستهای خلقهای عرب در برابر تهاجم سیمانه اسرائیل، تقویت رویزیونیستهای شوروی از حکومتهای ساخته و پرداخته امپریالیسم آمریکا نظیر یونان، آمریکا، ژاپن، هند و ایران... و اینک تحریکات خونین در مرز جمهوری توده ای چین همه اینها ظاهر مقلد است از سیاست رویزیونیسم و امپریالیسم در تقسیم جهان. رویزیونیستهای شوروی میخواهند در زمانه اگراتا پند که امپریکی - نیکسون تحریکات ضد جمهوری توده ای چین را سر مایه بند نیست های تنگین جدید خویش کرد. اند.

ضمنا رویزیونیستهای شوروی امید دارند که حوادث مرزی با چنین توده ای را وسیله ای برای تحکیم سیادت خود در میان و روش قرار دهند. کشور اروپائی شرقی را بیشتر از پیش رزنجیر سازند و سوسیالیسم را با جراهای سیاسی سوق دهند. اما همه این تشیقات جزا بنگسظور رویزیونیستها را تسرم کند نتیجه دیگری نخواهد داشت. رویزیونیستهای شوروی و امپریالیستهای آمریکا که در کرد این ارتجاع ها دست و پا میزنند و تفریق هر سز در میان اند که هر چه بیشتر یکدیگر را آویزند زود تر خود را خواهند هفتند. شاتازاتی آنها نیز نمیتواند تختیا و منجات آنها باشد. چین توده ای با هفتصد میلیون جمعیتی که صلح با نده ضعیف پیش ما نوشته و در دستگیری هر کس که قصد آزادی در راه آزادی سوسیالیسم پرولتری آماده است دستخیز نماید بری است. همه زحمتگان جهان همه خلقهای شیفته آزادی با تمام نیرو از چین توده ای دفاع خواهند کرد. خلق شوروی نیز از آزادی کردن ضربه هلاکت رویزیونیستهای شوروی باز نخواهد آید. خلق شوروی بزرگی است و سابق درخشان انقلابی دارد و موجود انقلاب گیرا کبوری سازنده نخستین دولت سوسیالیستی است. آموزش لنینی و استالینی الهیام بخش اوست. هرگز نباید خلق شوروی را با رویزیونیستهای شوروی اشتباه کرد. هر چه رویزیونیستهای شوروی در راه خیانتهای ترسناکشان بنانزد میباید اوری خلق شوروی زود تر صورت خواهد گرفت و در کنار خلق چین و سایر خلقهای جهان سزنگون ساختن رویزیونیسم و امپریالیسم قیام خواهد کرد.

مرکز ترارهای معاصر
نبروند با جمهوری توده ای چین درواستوار سوسیالیسم و مرکز انقلاب جهانی
برقرار باد انتزاع سوسیالیسم پرولتری و همسنگی همه خلقهای جهان برضه رویزیونیسم و امپریالیسم
برافراشتاد برچم پیروز کارگر کس، انگلس، لنین، استالین و ماوشه دون.
سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان
۱۳۴۸/۱/۱ - ۱۳۶۹/۲/۲۱

تپیری از ترکش رویزیونیسم

نویسنده فراموش میکند که آن کشوری که بازار کشور دیگر را در قبضه خود بگیرد سوسیالیستی نمیتواند باشد. غارتگر است امپریالیستی است و با سایر امپریالیستها هیچ تفاوت ماهوی ندارد. و کشوری که بازار خود را در قبضه خود نداشتند استقلال نیست و وابسته است غارت زده است. انقلابیون و کومنیستهای واقعی ایران مبارزه میکنند تا بازار ایران را به قبضه خلق ایران بیاورند نه اینکه آن را از دست یقماکر بدست یقماکر دیگر انتقال دهند. خلق ایران نه به گن دزد اول احتیاج دارد نه به گن دزد دوم.

چه آرزوها که نویسنده از ورود کارشناسان شوروی در دل میپروراند ولی نمیگوید که مشاه این آرزوهای خوش چیست؟ کارشناسانی که محمد رضاشاه را " رهبر خردمند ملت ایران " میدانند و دعا میکنند که سایه او از سر ملت ایران کم نشود. کارشناسانی که مجریان نقته های نواستعماری محمد رضاشاهی اند چه تفاوتی با کارشناسان امپریالیستی دارند؟ کارشناسانی که طرز نگار بردن آخرین مدل های اسلحه را به محمد رضاشاه و آدپکشان وی میآموزند چه درسی جز قبول اسارت خلق ایران خواهند داد؟ کارشناسانی که رایشان شاه در حفظ رژیم موجود اند چه نسبتی با خلق ایران میتوانند داشته باشند جز نسبتی که مستشاران امریکائی دارند؟

صفحات معدود ماهنامه توفان امکان نمیدهند که نامه های فراوانی را که از ایران و خارج از ایران در برهه های مختلف دریافت میاریم (و عموماً در تپید مشی توفان است) منعکس کنیم. ولی یکی از آنها را که نوشته رفیقی از ایران است و ارزیابیهای مخالف ارزیابیهای ما دارد بناچار باید ضدکسر شویم و مورد تحلیل قرار دهیم. زیرا که اولاً نمیتوان رفیقی را که "تنها هدفش بهبود وضع نشریه توفان میباشد" ببجواب گذاشت و ثانیاً بحث درباره برخی از نکات نامه وی ممکن است برای خوانندگان دیگر نیز جالب باشد.

نویسنده طرفدار اسلحه فروشی شوروی به محمد رضاشاه است و آنرا غیر از اسلحه فروشی امریکائی میدانند و بسود خلق ایران میفشارد. وی مینویسد: "در اینجا" مثلاً میبایست مسائل ذیل مورد بحث قرار گیرد: ۱ - مقایسه بین ضرر معنوی فروش اسلحه در میان مردم ایران و ارزش مادی آن: نظیر ورود کارشناسان و قبضه نمودن بازار کشورهای امپریالیستی، ارزش تشدید تضاد بین کشورهای امپریالیستی و تشدید بحران های اقتصادی و اثرات مثبت و منفی دیگر. ۲ -

نویسنده تحت تاثیر تبلیغات رویزیونیستها چنین می پندارد که اگر بازارهایی که امروز در قبضه کشورهای امپریالیستی است - و از آنجمله ایران - به قبضه کشورهای رویزیونیستی درآید این امر در جهت استقلال اقتصادی آنها و بسود خلق آنهاست.

رهائی خلق ایران در پیروزی جنگ توده ای است